

بررسی اثرات برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء پایداری اجتماعی و اقتصادی در شهرستان قلعه‌گنج، پایلوت اقتصاد مقاومتی کشور

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

محمدطاهر رستمی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)
عباس ملک حسینی* (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء پایداری اقتصادی و اجتماعی در شهرستان قلعه‌گنج پایلوت اقتصاد مقاومتی کشور انجام شد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی می‌باشد جامعه آماری این پژوهش کل افراد شهرستان قلعه‌گنج بود که تعداد این جامعه آماری ۸۰۰۰۰ هزار نفر می‌باشد و نمونه‌گیری تصادفی ساده برای تعیین تعداد افراد انتخاب شد. اطلاعات لازم جهت دستیابی به نتایج، از طریق پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ی محقق ساخته از آلفای کرونباخ استفاده شد و روایی نیز از طریق روایی محتوایی و اکتشافی بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS از طریق آزمون‌های همبستگی و رگرسیون صورت گرفت. لازم به ذکر است که برای تحلیل اطلاعات، مورفولوژی شهر مدنظر و تحلیل ساختاری شهرستان قلعه‌گنج مورد بررسی قرار گرفت. استنتاج‌ها نشان می‌دهد که پیش‌فرض‌های مربوط به آزمون‌ها از میزان مناسب برخوردارند. ارتباط محرومیت‌زدایی با ابعاد اقتصادی (پس‌انداز، اعتبارات، درآمد و اشتغال و بیمه) به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۶۱، ۰/۳۹ برآورد شد. ابعاد اجتماعی که شامل شبکه‌ها، مشارکت اجتماعی و همبستگی و انسجام اجتماعی به ترتیب با ۰/۶۷، ۰/۷۹ و ۰/۶۱ با محرومیت‌زدایی ارتباط دارند. ظرفیت و پتانسیل‌های شهرستان با ضریب ۰/۶۷ بر میزان موفق بودن برنامه‌های محرومیت‌زدایی اثر گذار نشان داده شد. بنابراین محرومیت‌زدایی در شهرستان قلعه‌گنج با اثرپذیری از ظرفیت بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهرستان و حوزه نفوذ آن مدنظر نظام مدیریتی است و برای کاهش محرومیت و فقر باید بر روی این ظرفیت‌ها و پتانسل‌ها سرمایه‌گذاری صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: قلعه‌گنج، محرومیت‌زدایی، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، فقر.

مقدمه

فقر به مثابه یک پدیده‌ی نامطلوب اقتصادی - اجتماعی، یکی از مهمترین پیامدهای توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمدهای ایجاد شده در بین افراد جامعه است. وجود این پدیده در هر جامعه، مبین عملکرد نادرست سازوکار توزیع درآمد و ثروت در درون ساختار اجتماعی - اقتصادی آن جامعه می‌باشد که به نوبه‌ی خود، موجب ایجاد آثار نامناسبی در این ساختار می‌شود. تداوم این فرآیند تنش‌های اقتصادی - اجتماعی شدیدی را در پی دارد که هرازگاهی، کل جامعه را در بر گرفته و مقابله با آن بسیار مشکل می‌شود. اینک فقر به صورت شرایط انسانی تعریف می‌شود که ضعف در بسیاری از ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد. این ابعاد عبارت‌اند از گرسنگی، بیماری، سوء تغذیه، بیکاری، سرپناه نامناسب، فقدان آموزش، آسیب‌پذیری، کم توانی، مطرود بودن اجتماعی و امثال آن. در واقع مهمترین پیشرفتی که در پژوهش‌های معطوف به فقر، در سالهای اخیر به وقوع پیوسته است، تغییر از رویکرد تک بعدی به رویکرد چند بعدی نسبت به مسئله فقر است. استفاده از شاخص‌های پولی برای فقر، اغلب انعکاس این دیدگاه است که این شاخص‌ها نماینده‌های مناسبی برای فقر چندبعدی هستند.

فقر، پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از نبود حداقل‌های نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می‌شود و در حقیقت، نتیجه نابرابری اجتماعی و اقتصادی بوده که به عنوان مشکل زمانی بروز می‌کند و ساختار فضایی نواحی مختلف شهر را دارای تضادهای بارز و آشکاری می‌نماید؛ نتیجتاً این تضادها باعث شکل‌گیری نابرابری در توزیع فضایی امکانات در سطح شهر شده و به نابرابری فضایی می‌انجامد. فضاهای نابرابر شهری نیز موجب می‌شوند تا فرصت‌های نابرابر در اختیار ساکنان نواحی مختلف قرارگیرد و این به توزیع نابرابر خدمات رفاهی، شکل‌گیری نواحی فرسوده و فقیرنشین و محرومیت در نواحی شهری منتهی می‌شود (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین در راستای محرومیت‌زدایی در جامعه لازم است به مسائل اجتماعی و اقتصادی توجه کرد.

۱-۱- طرح مسأله

۱. آیا طرح محرومیت‌زدایی (بنیاد مستضعفان) در بعد اقتصادی در شهرستان قلعه‌گنج موفق بوده است؟ (با ذکر عوامل اصلی)
۲. آیا طرح محرومیت‌زدایی (بنیاد مستضعفان) در بعد اجتماعی در شهرستان قلعه‌گنج موفق بوده است؟ (با ذکر عوامل اصلی)

۳. شهرستان قلعه‌گنج دارای چه ظرفیت‌هایی است و محرومیت‌زدایی در این منطقه مذکور در چه وضعیتی می‌باشد؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد (راغفر و همکاران، ۱۳۹۲). از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون، توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت نهادی-سازمانی برای مدیریت فرآیند توسعه شهری و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (نوریان و مظفری پور، ۱۳۹۲). رویکرد اساسی در جهت بررسی فقر در کشور ما، بررسی فقر درآمدی است که براساس هزینه سرانه سنجیده می‌گردد. در صورتی برای بررسی فقر باید رویکرد چندبعدی در پیش گرفته شود که در واقع محرومیت از سلامتی، مسکن، آموزش، محرومیت سیاسی و اجتماعی از جمله محرومیت‌ها می‌باشد. فقر به عنوان واقعیتی با ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی، همواره یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران برنامه‌ریزان، دانشگاهیان و عامه مردم بوده و در چند دهه اخیر به شکلی ویژه مورد توجه کشورها، سازمانها و محافل بین‌المللی قرار گرفته است، تا جایی که دهه ۱۹۸۰ را دهه فقرای فراموش شده و دهه ۱۹۹۰ را دهه جنگ با فقر یا تغییر راهبردهای فقرزدایی نامیده‌اند (طالب و همکاران، ۱۳۸۹).

در ایران نیز برای مبارزه با فقر در قالب برنامه‌های توسعه طرح ساماندهی اقتصادی، پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته و چندین بار لایحه فقر زدایی تهیه و تنظیم شده که این تلاش‌ها در نهایت به اقدامی کاملاً موفق منجر نشده است. از سویی نتایج مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر به حوزه‌های تصمیم‌گیری راه یافته ولی سیاست‌های اتخاذ شده نمودی عینی در سطح ملی و منطق‌های همانند آنچه در کشورهای مانند مالزی، کره جنوبی و... داشته پیدا نکرده است (پیرایی و شفیع، ۱۳۹۱). در شرایط کنونی توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی در شهرهای کوچک، با در نظر گرفتن چالش‌ها و تنگناهایی که شهرها در این زمینه با آن مواجه‌اند، ضرورت بیشتری می‌یابد. شکاف‌ها و فواصل درون نسلی از یکسو و نابرابری‌های ناحیه‌ای و کونتگاهی از سوی دیگر بیش از پیش سکونت‌گاه‌های کوچک کشور و فرایند توسعه پایدار را در آنها متأثر ساخته و از این رهگذر ضرورت و اولویت توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی را در برنامه‌ریزی توسعه پایدار گوشزد می‌کند (توکلی، ۱۳۹۳).

به‌رغم تحقیقات فراوانی که در زمینه فقر انجام گرفته است، یکی از مهمترین اقدامات باید در جهت بهبود فقر رسیدگی به وضعیت مسکن و بهبود وضعیت عمومی از جمله خدمات آموزشی صورت گیرد. (رفیعیان و توکلی، ۱۴۰۰) تاکنون توافقی برای ارائه یک تعریف جامع و مانع از فقر به‌دست نیامده و همین امر موجب گردیده تا محققین روشهای مختلفی برای اندازه‌گیری فقر به کار بگیرند. با این وجود مطالعه فقر و بررسی میزان افراد فقیر یا خانوارهای زیر خط فقر در وهله اول مستلزم ارائه پیش‌تعریفی از فقر و شاخص‌های کمی متناظر با آن است که بتوان با این ابزار اندازه‌گیری حائلی میان افراد فقیر و غنی ایجاد و به شناختی نسبی از کم و کیف آنان در سطح جامعه دست یافت. بنابراین به لحاظ اهمیت مسئله فقر و تبعات منفی آن به خصوص تأثیر تعیین‌کننده آن بر روی آسیب‌های اجتماعی برای هر جامعه لازم و مفید است که دائماً مراقب شدت و گستردگی آن در جامعه باشد تا بتواند با کنترل آن از بروز پیامدهای منفی آن جلوگیری نماید. از این رو به جهت اینکه اهمیت پدیده فقر در ابعاد فردی و اجتماعی نمایان است، لذا انجام چنین مطالعه‌ای برای تأثیرگذاری برنامه‌های محرومیت‌زدایی بر اساس شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی ضروری می‌باشد.

با توجه به اهمیت موضوع، برای عمده دولتها، کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و آنچه مهم است نحوه‌ی این برنامه‌ریزی و شناسایی فقر است. در برنامه‌ریزی‌های فقرزدایی، دولتها باید روشهایی را برای شناسایی فقرا انتخاب نمایند که دهک‌های پایین جامعه در اولویت برنامه فقرزدایی قرار گیرند و چتر حمایتی دولت باید طوری گسترده شود که افراد واجد حمایت از آن بهره‌مند شده و افراد غیر مستحق در آن گنجانده نشوند. با توجه به این موضوع تحقیقات وسیعی پس از برای شناسایی ابعاد مختلف فقر آغاز گردید. تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی و با انتشار مطالعات سن، عمده‌ترین معیار فقر نسبت فقرا بود که در استخراج آن تنها تعیین خط فقر اهمیت داشت ولی پس از آن شاخص‌های اندازه‌گیری متنوعی ارائه شد که هر کدام ابعاد خاصی از فقر را تحت پوشش قرار دادند که لازم است در برنامه‌ریزی‌های کاهش فقر علاوه بر خط فقر به آنها نیز پرداخته شود.

بدیهی است اجرای سیاستهای کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آنها، موفقیت‌چندانی نخواهد داشت و اصولاً یکی از مسائل مهم در تدوین برنامه‌های کاهش فقر، اطلاع از گستردگی فقر حاکم بر جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. پس از تعیین گستره‌ی فقر و اطلاع از عوامل تعیین‌کننده‌ی آن با بصیرت بیشتری میتوان به تصریح اهداف و گزینش روش‌های عملی اجرای برنامه‌های کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد اقدام نمود (محمدزاده، فلاحی و همکاران، ۱۳۹۰). آشکار است که عدم شناخت صحیح فقر و ابعاد آن و کم توجهی به عوامل تأثیرگذار آن

در برنامه‌های مختلف، باعث سیاستگذاری‌های نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم ماندن تلاش‌ها و برنامه‌ها و تداوم فقر و ممانعت از دستیابی به توسعه‌ی پایدار می‌گردد. بنابراین شناخت صحیح فقر، ابعاد آن و شناسایی عوامل تعیین‌کننده‌ی آن می‌تواند به عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی و استفاده‌ی بهینه از منابع در سطح ملی تلقی گردد. مطالعه علمی فقر در جامعه در حال توسعه‌ای مانند ایران، به دلیل گستردگی و عوارض سوء فردی و اجتماعی این مقوله و نیز تأثیر منفی آن بر فرایند توسعه کشور، اهمیت فراوان دارد اما رویکرد کاسیک و سنتی مقابله با فقر، با تأکید تقریباً یک‌جانبه بر جنبه‌های اقتصادی و درآمدی، سایر ابعاد فقر و محرومیت را نادیده گرفته است؛ ابعادی عمدتاً جامعه‌شناختی و فراتر از پول و بازار و در واقع، مؤلفه‌های گوناگون کیفیت زندگی افراد و گروه‌های جامعه. می‌توان گفت که با اجرای سیاست‌های صحیح محرومیت‌زدایی و توجه به معیشت پایدار می‌توان امید داشت که باعث افزایش پایداری اقتصادی و سیاسی شهرستان و بالطبع جنوب کشور افزایش خواهد داشت همچنین باعث پایداری اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جوامع محلی در سطح شهرستان قلعه‌گنج خواهد شد.

۱-۳-۱- اهداف تحقیق

۱-۳-۱- هدف کلی

بررسی اثرات برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء پایداری اقتصادی و اجتماعی در شهرستان قلعه‌گنج پایلوت اقتصاد مقاومتی کشور

۱-۳-۲- هدف‌های جزئی

- بررسی نقاط ضعف و قوت برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء توسعه پایدار.
- بررسی شناسایی پتانسیل‌های بالقوه و ارائه راهکارهای بالفعل کردن آنها.
- کمک در ارائه راهکارهای اجرایی در جهت ارتقاء بهره‌وری طرح‌های محرومیت‌زدایی

۱-۴-۱- پیشینه تحقیق

۱-۴-۱- پژوهش‌های داخلی: روستایی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی تحلیل فضایی گسترش فقر شهری در شهر تبریز طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به توزیع فقر شهری در فضاهای شهر تبریز و اختلاف و شکاف طبقاتی در برخورداری از شاخص‌های فقر

شهری را نشان دادند. در این مطالعه از شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که توزیع فقیر شهری در فضاهای شهر تبریز از مدل خوشه‌ای پیروی می‌کند و خوشه‌های مرفه نزدیک به مرکز شهر گرایش دارند و خوشه‌های فقیر در حاشیه شهر پراکنده گشته‌اند که اختلاف و شکاف طبقاتی در برخورداری از این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

صفایی پور، مرادی منفرد و امیری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه، ANP مورد شناسی: شهر زنجان»، به ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار شهری در این شهر پرداخته‌اند و در پایان راهکارهایی به منظور توسعه پایدار شهری ارائه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که مناطق چهارگانه شهر زنجان از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های منتخب توسعه، متفاوت بوده و بین شاخص‌های منتخب و روند توسعه پایدار در شهر زنجان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش شاخص‌های اقتصادی بیشترین سهم را در توسعه پایدار شهری شهر زنجان ایفا می‌کنند.

ستارزاده بردسیری (۱۳۹۵) در پایان نامه خود با عنوان «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر» به ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهر کوچک بردسیر پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد پایداری محله‌ها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی از نظر مردم مطلوب نیست. به طوری که مقدار محاسبه شده پایداری ۲/۴۹ درصد کمتر از حد میناست. از لحاظ شاخص‌های پایداری، تنها محله مخلص آباد وضعیت مناسبتری نسبت به سایر محله‌ها دارد. ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان فقر درآمدی، فقر قابلیت و طرد اجتماعی روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت" بیان داشتند که چرخش مفهومی و رویکردی فقر و محرومیت از آن رو مهم است که نوع تعریف و درک فقر، ارتباط مستقیمی با سیاست‌های مقابله با آن دارد. جان مایه بحث این مقاله این است که کاهش فقر به عنوان مهمترین هدف سیاستگذاری اجتماعی، جنبه‌هایی فراتر از اقتصاد و بازار را دربر می‌گیرد و ناظر به سویه‌های مختلف کیفیت زندگی است. با آن که گفتمان مسلط مقابله با فقر در جامعه ما همچنان اقتصاد محور است اما در این مطالعه تأکید شده که ایده طرد اجتماعی، بدون آن که یکسره جای رویکردهای سنتی مبارزه با فقر را بگیرد، سازوکار مناسبتری برای بررسی و کاستن از فقر و محرومیت شدید گروه‌های آسیب پذیر در جامعه است.

لهسایی زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه نشین (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)، به این نکته اشاره می‌کند که

محرومیت نسبی یکی از عوامل روانشناختی، اجتماعی- بیولوژیکی و محیطی در ایجاد خشونت‌های شهری در حاشیه شهرها است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هر اندازه افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین احساس کنند با دیگر هموعان خود فاصله اجتماعی و اقتصادی بیشتری دارند، احساس نارضایتی در میان آنها بیشتر شده و برای جبران این وضعیت به هر ابزار و وسیله‌ای دست خواهند زد که یکی از راه‌ها خشونت در مناطق حاشیه شهر است.

۲-۴-۱- پژوهش‌های خارجی: گنزالز گارسیا و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان

«ارزیابی پایداری شهرهای اسپانیا با توجه به شاخص‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی» به ارزیابی شاخص‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ۲۶ شهر اسپانیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به اهداف شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به نرخ بیکاری و تعداد جرائم در شهرهای مورد مطالعه، باید در اولویت قرار گیرند. در عین حال، میزان مصرف برق، ضایعات جامد شهری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل، از منظر زیست محیطی در شهرهای مورد مطالعه در سطح مطلوب است. این نتایج منافع بالقوه برای سیاستمداران، دولت‌ها و ساکنان را برای شناسایی جریان‌های متابولیک و شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی به منظور دستیابی به پایداری، بهینه می‌کند.

ایگ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان دوگانگی محرومیت (مطلق - نسبی) در ارزیابی تغییرات واکنش به نابرابری به مقایسه سوابق واکنش‌های جمعی بین گروه‌های محروم می‌پردازد. او بیان می‌کند که فرض محرومیت مطلق به تنهایی برای ناامیدی کافی نیست. به همین دلیل ساکنان شهری کم درآمد را با استفاده از شاخص‌های محرومیت مطلق و نسبی برای ارزیابی بهتر واکنش‌های جمعی به عنوان نتیجه محرومیت و واکنش‌های اخیر آنها بررسی می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که باید به جای تغییرات شرایط ساختاری و منابع، احساس خشم یا تجربه محرومیت قربانی در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به شواهد اظهار می‌کند که خشونت با نابرابری‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در ارتباط است. در نتیجه تحریک نابرابری‌ها به نارضایتی اجتماعی منجر می‌شود؛ بنابراین تحریک بیشتر چرخه خشونت گروه‌های محروم و افزایش اثرات برجسته احساس محرومیت به تحریک عمل جمعی و در مقیاس بزرگ به خشونت‌های سیاسی و جنگ تغییر می‌یابد.

هارون (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان داد که بین فقر درآمد و محرومیت اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود ندارد. هنوز عوامل خطر شناخته شده در فقر از جمله سطح پایین تحصیلات، سن جوانی، بهداشت ضعیف، بخش‌های فرهنگی و مذهبی و جنسیت زن تأثیر شدیدی در محرومیت‌های اجتماعی دارند. تجزیه و تحلیل خوشه‌ای وجود سه زیر گروه را نشان داد که

می‌توانند به عنوان "ثروتمند"، "طبقه متوسط" و "فقیر" شناخته شوند. در حالی که بین ثروتمندان "ثروت" و دو خوشه دیگر تفاوت قابل توجهی وجود دارد، هنگام جستجوی طرد اجتماعی، فاصله اصلی بین "فقیر" و دو خوشه دیگر است. به نظر می‌رسد که این یافته‌ها تأیید می‌کنند که محرومیت اجتماعی در اسرائیل پدیده‌ای متمایز است که علاوه بر فقر سنتی، مستحق سنجش و پرداخته شده است.

والتنبرگ، گنزالز و پزیکس (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «انتخاب شاخصها برای توسعه پایدار شهرهای کوچک نمونه: شهر والمیرا» به ضرورت و اهمیت انتخاب شاخص‌های توسعه پایدار شهرهای کوچک پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ها باید با اولویت‌های شهرهای کوچک مرتبط باشند و همچنین باید مسائلی که این‌ها در آینده با آن مواجه می‌شوند را هم در نظر گیرند. شاخص‌هایی درباره حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به خدمات در سطح محله مانند درمانگاه، بهداشت و سلامت، جای پای اکولوژیکی که برای توسعه و حل مشکلات این شهرها می‌بایستی به عنوان معیارهایی برای نظارت پیشرفت شهرهای کوچک در چارچوبی منظم عمل کنند، ارتقا یابند.

زلینسکی (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان تغییر در محرومیت نسبی مادی در نواحی اسلواکی و جمهوری چک انجام داد. هدف از این تحقیق یک ارزیابی ساده از محرومیت نسبی مادی مبتنی بر شاخص فقر انسانی است که به عنوان نماینده برای سطح محرومیت چندبعدی و به‌عنوان شاخص جایگزین محرومیت نسبی براساس رویکردی چندبعدی است. این تحقیق در دو بخش انجام شده است: اولین بخش تحقیق به بررسی سطح تجهیزات خانواده‌ها با آب، برق و استفاده از کالاهای با کیفیت با استفاده از داده‌های سرشماری پرداخته است. دومین بخش هدف تخمین محرومیت نسبی مادی در مناطق چک اسلواکی با استفاده از داده‌های خرد اتحادیه اروپا از ۲۰۰۹ تا ۲۰۰۲ است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تفاوت‌های قابل توجهی در نرخ محرومیت نسبی مادی بین جمهوری چک و اسلواکی و مناطق آن وجود دارد. سطح محرومیت در اسلواکی است و خانواده‌های محروم در بخشی از اسلواکی متمرکز شده‌اند. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد در حالیکه جمهوری چک دارای موقعیت خاص است اما فشار ناشی از محرومیت مربوط به بالاترین سطح محرومیت مسکن و پایین‌ترین سطح محرومیت از کالاهای باکیفیت است.

دیواسینتی و پوگی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان فقر و محرومیت اجتماعی: دو طرف یک سکه یا فرآیندهای مرتبط با پویا؟ به این نتیجه رسیدند که از نظر تئوریک، محرومیت اجتماعی و فقر درآمدی به عنوان فرایندهای مختلفی دیده می‌شوند، اما با پویایی نزدیک به هم مرتبط هستند. با این حال، درک تجربی ما از نحوه ارتباط این دو فرآیند به صورت پویا در سطح فردی،

هنوز هم بسیار محدود است. برای روشن کردن موضوع، ما از یک مدل پویا دو متغیره پویا استفاده می‌کنیم و کنترل ناهمگونی غیرقابل کنترل و شرایط اولیه را کنترل می‌کنیم. علاوه بر این، اثرات متقابل پویا وجود دارد که نشان می‌دهد فقر و محرومیت اجتماعی به طور متقابل تقویت می‌شوند. سیاست‌های اجتماعی با هدف ریشه کن کردن فقر و جلوگیری از حاشیه نشینی اجتماعی و اقتصادی افراد باید این تأثیرات متقابل را صریحاً مورد توجه قرار دهد.

۱- مبانی نظری

انجام هر پژوهش نظام‌دار و دستیابی به واقعیتها و حقایق در موضوعات مختلف، جز در سایه‌ی شناسایی تاریخچه و ادبیات آن میسر نیست، چرا که از این راه افق روشنی پیشروی پژوهشگر قرار می‌گیرد. با عنایت به این مهم در این بخش از پژوهش، به تشریح موضوع مفاهیم فقر، پایداری اقتصادی، اجتماعی پرداخته شده است.

۱-۲- مفهوم فقر

اگرچه فقر، قرن‌ها موضوع تأملات عمومی و تفاسیر دینی بوده است، اما نخستین تلاش‌های نظام‌مند برای تعریف، اندازه‌گیری و درک آن از قرن نوزدهم آغاز شد. اولین مطالعات کمی که فقر در آنها برابر با کمبود یا نبود درآمد کافی بود، در نیمه قرن نوزدهم به انجام رسید. آن دسته از تعاریف فقر که از شاخص درآمد استفاده می‌کنند، این ایده را انعکاس می‌دهند که انسانها برای بقای خود به حداقلی از غذا، آب، سرپناه و پوشاک نیاز دارند. با تعریف این نیازهای حداقلی و مرتبط ساختن آنها با قیمت‌ها می‌توان یک خط فقر مطلق و حداقلی ساخت که از آن در پیمایش‌های اجتماعی و برای تعیین تعداد افرادی استفاده می‌شود که درآمدشان آنها را به زیر این خط می‌کشاند. پیشگام این رویکرد، چارلز بوث^۱ در لندن بود و بعدها سیبم رونتري در مطالعات خود راجع به فقر در شهر یورک انگلستان (۱۸۹۹) آن را اصلاح کرد (هال و میجلی، ۱۳۸۸). رونتري، فقر را سطحی از ناکافی بودن درآمد تعریف کرد که در آن نمی‌توان حداقل نیازها مانند غذا، مسکن و غیره را تأمین کرد.

۲-۲- پایداری اقتصادی

اگر هدف توسعه پایدار را استفاده معقول و مناسب از منابع طبیعی بدانیم، بنابراین پدیده‌های اقتصادی است، زیرا توزیع مناسب و عادلانه، مصرف بهینه از منابع مادی عمدتاً و

طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی مباحث مرتبط با بعد اقتصادی توسعه پایدار است و از آنجا که هدف توسعه پایدار توزیع برابر با عوامل اقتصادی در فرصتها و برقراری عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع و عمدتاً ارتباط است؛ بر همین اساس پایداری در اقتصاد را می‌توان در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسانها در طول زمان، بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف کرد (جعفریان و عبدالحسین پور، ۱۳۸۵). از این رو امروزه با روند نزولی وضعیت اقتصاد سکونتگاه‌های کوچک شهری، جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده جمعیت این سکونتگاه‌ها به شهرهای بالا دست، گسترش فقر و بیکاری، امنیت پایین غذایی، سطوح توزیعی نابرابر امکانات و مواردی از این دست (قدیری و ضیانوشین، ۱۳۸۹). برنامه‌ریزی برای تقویت نظام اقتصاد شهرهای کوچک جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری را الزام و ضروری می‌کند. در این راستا ارزیابی پایداری اقتصادی زمانی به اهداف خود دست می‌یابد که این فرایند در قالب چارچوبی نظام‌مند و جامع صورت گرفته و با ارائه ابزار و شاخصهای هدفمند همراه باشد. در واقع پرداختن به موضوع مهم ارزیابی توسعه پایداری در شهرهای کوچک این امر را قادر خواهد ساخت تا با داشتن شناختی کافی از سرزمین مطالعه شده، بتوان به برنامه‌ریزی و مدیریت آن پرداخت. بدون چنین شناختی، برنامه‌ریزی و مدیریت در جهت پارادایم فعلی توسعه، با دشواری روبه‌روست. در پژوهش حاضر پایداری اقتصادی شهرهای مورد مطالعه براساس عوامل رفاه اقتصادی (مانند بهره‌وری و کارایی) (عدالت اقتصادی) مانند رفع فقر و توزیع درآمد (و ثبات اقتصادی) (مانند تنوع بخشی) بررسی خواهد شد.

۳-۲- پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی، مجموعه‌ای از اقدامها و خط‌مشی‌هاست که هدف آن بهبود کیفیت زندگی و دسترسی عادلانه به توزیع حقوق و استفاده و تخصیص مناسب محیط طبیعی و مصنوع است. این امر دلالت بر بهبود شرایط زندگی محلی با کاهش فقر و افزایش رضایتمندی از نیازهای پایه دارد.

به طور کلی پایداری اجتماعی در دو بعد مفهومی مورد توجه قرار گرفته است: عدالت اجتماعی که به توزیع عادلانه منابع و اجتناب از روشهای انحصاری اشاره داشته و اجازه می‌دهد افراد یک جامعه به طور کامل در جامعه و مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشارکت داشته باشند که این امر ارتباط نزدیکی با مفهوم دوم یعنی عدالت محیطی پیدا می‌کند. در خصوص محیط ساخته شده، عدالت اجتماعی به معنای توجه به ماهیت و وسعت دسترسی به خدمات و

امکاناتی است که در منطقه استقرار یافته است. بدین ترتیب، پایداری اجتماعی، شامل طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی، ثبات نسبی در جامعه که هر دو گروه ساکنان و غیرساکنان را دربرمی‌گیرد و سطحی از اعتماد را به وجود می‌آورد که حس مثبتی از هویت و غرور را در جامعه ایجاد می‌کند.

مفهوم پایداری اجتماعی در تقابل و انتقاد برخی نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران نسبت به رویکرد مدرنیسم شکل گرفت، این نظریات ابتدا از حوزه فلسفه شروع به شکل‌گیری کرد و سپس در سیری مروری به شهرسازی و معماری وارد شد. راجرز طراحی پایدار را نوعی از طراحی می‌داند که به نیازهای امروز بدون آسیب رساندن به منابع نسل‌های آینده پاسخ می‌دهد. «در طراحی پایدار باید به پایداری اجتماعی و اقتصادی به اندازه مصرف انرژی و تأثیر محیطی ساختمانها و شهرها اهمیت داده شود (راجرز، ۱۳۸۴). جان لنگ در تعریف پایداری اجتماعی بر خواست مردم برای زندگی در یک مکان معین اشاره داشته و بر توانایی در جهت استمرار چنین روندی هم در حال و هم در آینده، تأکید می‌کند. پایداری اجتماعی اصول سیاسی و اجتماعی را با مسائل مربوط به مشارکت، شادی، رفاه و کیفیت زندگی ترکیب می‌کند پس مفهوم پایداری نیازمند یک شبکه کالبدی- اجتماعی است.

در برنامه‌ریزی محله‌ای پایدار الزام است. موضوعات اجتماعی و اقتصادی در کنار محرکه‌های محیطی مورد توجه قرار گیرند، چنانچه شرایط ناپایدار اجتماعی می‌تواند نهایتاً به ناپایداری محیطی منجر شود (عزیزی، ۱۳۸۸). پایداری اجتماعی گاه با مفهوم مردم سالاری پیوند می‌خورد و آن را ایجاد ساختار نهادی برای حکمروایی خوب شهری برآمده از اراده سیاسی شهروندان و بر مبنای فعالیت و اقدامات گروه‌های سیاسی و اجتماعی در راستای پایداری، سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت عملکردی تعریف می‌کنند. یکی از وجوه مهم پایداری اجتماعی، سرمایه اجتماعی می‌باشد که در فرآیند برنامه‌ریزی محله مبنای تأکید بر اهمیت ظرفیت‌سازی برای ایجاد اجتماعات محلی، توسعه آن را منوط به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌دانند و به این مهم اشاره می‌شود که سرمایه اجتماعی پیش نیاز فرآیند توسعه اجتماع محلی بوده و بدون سرمایه اجتماعی توسعه اجتماع محلی عملی نخواهد شد. پایداری اجتماعی می‌تواند شامل مشخصه‌هایی همچون: آموزش، امنیت، مشارکت، برابری فرصت‌ها، توانمندسازی و توسعه نهادی باشد (کاظمی محمدی، ۱۳۷۸). پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار باید بر پایه ارزش‌هایی از برابری و دموکراسی باشد، بدین معنا که به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ۲ و استرن ۱ کیفیت جوامع تأثیر بگذارد. پولس با تمرکز

بر محیط شهری، تعریف نسبتاً جامعی از پایداری اجتماعی ارائه کردند که بر اساس آن پایداری اجتماعی به عنوان توسعه یا رشد، با تکامل جامعه شهری هماهنگ است؛ در واقع محیط زیست همسو با زندگی مشترک گروه‌های اجتماعی، برای یکپارچه‌سازی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی تمامی اقشار جامعه توسعه می‌یابد و پایداری اجتماعی در جهت کاهش نابرابری‌ها و شکاف اجتماعی قدم بر می‌دارد.

مفهوم پایداری اجتماعی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، بیانگر تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک در خصوص ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است، به طوری که متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی شود. پس میتوان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی ساختار اجتماعی این شهرها دانست. پژوهش حاضر نیز، پایداری اجتماعی شهرهای مورد مطالعه را براساس عواملی مانند سلامت و امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی، مشارکت اجتماعی و دسترسی به زیرساختهای نهادی مورد بررسی قرار داده است.

پایداری اجتماعی پایداری مفهومی است که به دنبال خود مفهوم مکملی به نام "توسعه پایدار" را مطرح می‌کند و در برخی موارد به جای یکدیگر به کار می‌روند (. مفهوم توسعه پایدار و ظهور آن در قالب فرآیند و عمل، مباحث زیادی را ایجاد کرده که تاکنون نیز ادامه داشته است. تعریف عام توسعه اشاره به تلفیق سه محور حفاظت محیط زیست، پیشرفت اجتماعی و رفاه اقتصادی برای رسیدن به دستاوردهای توسعه پایدار اشاره دارد (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۱). مباحث امروزی پایداری، به نوعی نسخه‌های مدرن دغدغه‌های کهن و دیرین مربوط به چگونگی حفظ جوامع انسانی در درون بستر اکوسیستم‌های طبیعی هستند. بیشتر طرفداران پایداری در هنگام روبرو شدن با تعریف مفهوم یا مفاهیم توسعه پایدار، به علت کثرت تعاریف آن، درمانده می‌شوند و به تعریف سند برانتلند پناه می‌برند. در تعریف پایداری طبق سند برانتلند آمده است که: توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب زدن به توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود برآورده می‌سازند. ترجیح بر استفاده از یک تعریف نسبتاً ساده فرآیند محور است که بر رفاه بلند مدت تأکید کند (جمعه پور، ۱۳۹۲).

در این بین کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد چارچوبی را که شامل شاخص‌های پایداری برای ارزیابی پیشرفت به سوی توسعه پایدار می‌باشد ایجاد کرده است. این چارچوب سلسله مراتبی از شاخص‌ها را گروه‌بندی می‌کند، که در این میان چهار وجه را برای توسعه پایدار تعیین کرده است که عبارتند از: محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی (جمعه پور، ۱۳۹۲).

شرلوک نیز سه حوزه اصلی را که می‌بایست شاخص‌های اصلی توسعه پایدار در آن حوزه‌ها تعیین گردند را بیان می‌کند که عبارتند از: اقتصادی (ایجاد رفاه، بازار و صنعت)، اجتماعی (رفاه انسانی، جامعه، آموزش، برابری و سرمایه اجتماعی) اگر چه واژه تخصصی توسعه پایدار به طور کلی در بردارنده بررسی مسائل زیست محیطی بوده است اما پس از مدتی حوزه اقتصاد نیز در توسعه پایدار اهمیت یافت، با این وجود مباحث اجتماعی فقط از اواخر دهه ۱۹۹۰ در دستور کار در سال ۲۰۰۰ و در نهایت نشست اتحادیه اروپا در گوتنبرگ و استراتژی لیسبون ۵ توسعه پایدار قرار گرفت و پس از دستور کار ۲۱ در سال ۲۰۰۱، پایدار اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفت که در شکل شماره ۱ نیز این روند قابل مشاهده می‌باشد. با این وجود نخستین بار در سال ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا در لیسبون مباحث اجتماعی را به عنوان بخش جدایی ناپذیر مدل‌های توسعه پایدار تعریف کرد.

پایداری اجتماعی گاه با مفهوم مردم سالاری پیوند می‌خورد و آن را ایجاد ساختار نهادی برای حکمروایی خوب شهری برآمده از اراده سیاسی شهروندان و بر مبنای فعالیت و اقدامات گروه‌های سیاسی و اجتماعی در راستای پایداری، سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت عملکردی تعریف می‌کنند. یکی از وجوه مهم پایداری اجتماعی، سرمایه اجتماعی می‌باشد که در فرآیند برنامه‌ریزی محله مینا ضمن تأکید بر اهمیت ظرفیت‌سازی برای ایجاد اجتماعات محلی، توسعه آن را منوط به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌دانند و به این مهم اشاره می‌شود که سرمایه اجتماعی پیش‌نیاز فرآیند توسعه اجتماع محلی بوده و بدون سرمایه اجتماعی توسعه اجتماع محلی عملی نخواهد شد (حاجی پور، ۱۳۸۵). پایداری اجتماعی می‌تواند شامل مشخصه‌هایی همچون: آموزش، امنیت، مشارکت، برابری فرصت‌ها، توانمندسازی و توسعه نهادی باشد (کاظمی محمدی، ۱۳۷۸).

پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار باید بر پایه ارزش‌هایی از برابری و دموکراسی باشد، بدین معنا که به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر و استرن کیفیت جوامع تأثیر بگذارد. پولس با تمرکز بر محیط شهری، تعریف نسبتاً جامعی از پایداری اجتماعی ارائه کردند که بر اساس آن پایداری اجتماعی به عنوان توسعه یا رشد، با تکامل جامعه شهری هماهنگ است؛ در واقع محیط زیست همسو با زندگی مشترک گروه‌های اجتماعی، برای یکپارچه‌سازی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی تمامی اقشار جامعه توسعه می‌یابد و پایداری اجتماعی در جهت کاهش نابرابری‌ها و شکاف اجتماعی قدم بر می‌دارد.

جدول ۱: شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در بحث فقر

مضمون	خرده مضمون	شاخص	
اقتصادی	عملکرد اقتصادی	نرخ اشتغال به تفکیک بخش (صنعت، کشاورزی و خدمات)	
	ارزش زمین	نرخ بیکاری	
	نرخ تورم	سرانه بودجه	
	سرمایه انسانی	سرانه درآمد نواحی شهری	
	بودجه	سرانه بیکاری نواحی شهری	
	اشتغال		
اجتماعی	فقر	درصد جمعیت زیر خط فقر	
	امنیت	نرخ بیکاری	
	جمعیت	درصد جمعیت حاشیه‌نشین	
	آموزش	نرخ باسوادی	
	آسیب‌های اجتماعی		میزان اختلالات روانی
			میزان پرونده‌های قضایی سالانه ۳
			نرخ رشد جمعیت
			امید به زندگی

مأخذ: نگارندگان

۲- معرفی محدوده مورد مطالعه

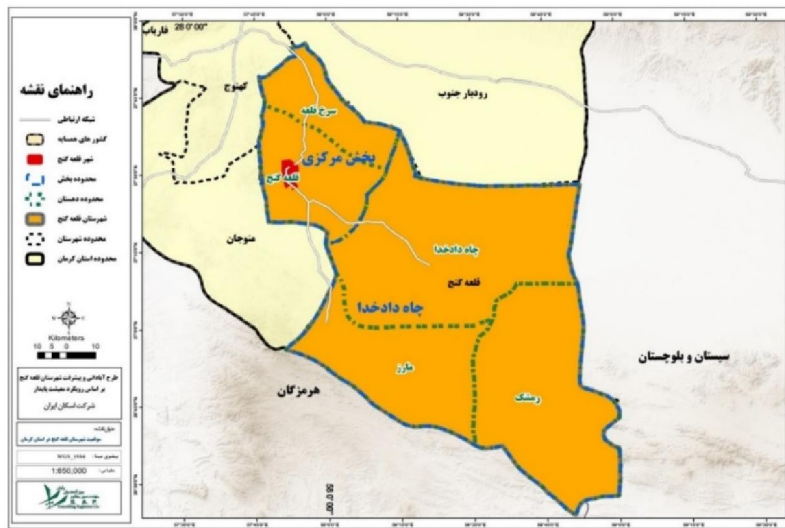
محدوده مطالعاتی حاضر شامل شهرستان قلعه‌گنج در استان کرمان است که در شکل شماره (الف) و شکل شماره (ب) موقعیت آن در کشور و استان کرمان نشان داده شده است. این شهرستان، در جنوبی‌ترین بخش استان کرمان بین ۳۴°- تا ۲۶°- تا ۴۸°- عرض جغرافیایی و ۵۳°- تا ۵۷°- تا ۴۹°- طول جغرافیایی واقع شده است. از شمال به شهرستان کهنوج و رودبار جنوب، از جنوب به بندر جاسک واقع در استان هرمزگان و شهرستان فنوج واقع در استان سیستان و بلوچستان، از شرق به استان سیستان و بلوچستان و تالاب جازموریان و از غرب به منطقه حفاظت شده مارز و شهرستان منوجان ختم می‌شود. همچنین با دو استان‌های مرزی کشور (سیستان و بلوچستان و هرمزگان) مرز مشترک دارد. وسعت شهرستان حدود ۱۰۴۴۰ کیلومترمربع بوده که ۵,۶۹ درصد از استان را به خود

اختصاص داده و از ۲۳ شهرستان استان کرمان، به عنوان ششمین شهرستان از لحاظ وسعت می‌باشد.

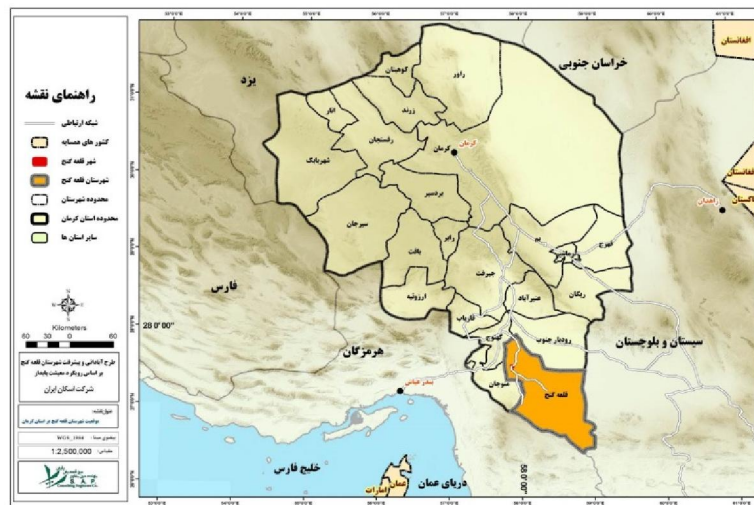
قلعه‌گنج در سال ۱۳۸۴ از شهرستان کهنوج جدا شده و براساس اطلاعات به دست آمده در سال ۱۳۹۴، از دو بخش به نام‌های مرکزی و چاه دادخدا، یک شهر به نام قلعه‌گنج، پنج دهستان به نام‌های قلعه‌گنج، سرخ‌قلعه، چاه دادخدا، رمشک و مارز تشکیل شده که موقعیت آنها در شهرستان قلعه‌گنج در شکل زیر ارائه شده است.

شهرستان قلعه‌گنج، در یک ناحیه نسبتاً بیابانی قرار گرفته به طوری که وضعیت آب و هوای آن خشک و فراخشک گرم بوده و میزان تبخیر و تعرق چندین برابر بارندگی می‌باشد. طولانی بودن دوره گرما، وزش بادهای تند و ایجاد طوفان‌ها، بارندگی کم، درجه حرارت بالای ۵۰ درجه در ساعاتی از روزهای تابستان از خصوصیات آب و هوایی این منطقه می‌باشد. حداکثر مطلق دمای ثبت شده در دوره گرما ۵۴ درجه سانتی‌گراد مربوط به تیرماه و حداقل مطلق آن ۲- درجه سانتی‌گراد مربوط به دی ماه بوده است. شهرستان مذکور بین طبقات ارتفاعی ۳۵۰ تا بیش از ۱۶۰۰ متر و طبقات شیب صفر تا بیش از ۴۰ درصد قرار گرفته است. تقریباً ۸۵ درصد از پوشش گیاهی طبیعی شهرستان قلعه‌گنج، مرتع بوده و شغل اکثر افراد بومی، کشاورزی و دامداری می‌باشد. قلعه‌گنج شهری در استان کرمان و در جنوب شرقی ایران است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۱,۱۶۹ نفر بوده است که از این تعداد ۱۶,۹ درصد را جمعیت شهرنشین و ۸۳,۱ درصد را جمعیت روستانشین تشکیل داده است. ۹ ایل و ۸ طایفه مستقل در شهرستان ساکن بوده که با توجه به موقعیت اقلیمی شهرستان قلعه‌گنج، جمعیت قشلاقی شهرستان بسیار بیشتر از جمعیت ییلاقی می‌باشد.

از منظر ارتباطات منطقه‌ای، شهرستان قلعه‌گنج در بن‌بست ارتباطی قرار داشته به نحوی که کلیه راه‌های اصلی شمال به جنوب استان از شهرستان‌های هم‌جوار گذر می‌کنند. لذا این شهرستان علی‌رغم اینکه یکی از شهرستان‌های استان کرمان محسوب می‌گردد بیشتر مبادلات و ارتباطات آن با استان هرمزگان و شهر بندرعباس انجام می‌شود.



نقشه ۱- موقعیت شهرستان قلعه گنج (محدوده مطالعاتی) در استان کرمان
منبع: طرح مطالعاتی آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج



نقشه ۲- موقعیت بخش ها و دهستانهای قلعه گنج (محدوده مطالعاتی)
منبع: طرح مطالعاتی چ آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج

۳- روش تحقیق

هدف مطالعه حاضر سنجش تأثیر برنامه‌های محرومیت‌زدایی بر ارتقاء شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرستان قلعه‌گنج می‌باشد. از این رو روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد تا میزان انجام برنامه‌های مختلف فقرزدایی در افزایش شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آشکار گردد. در مطالعات همبستگی، پژوهشگر هیچ یک از متغیرهای مستقل را دستکاری نمی‌کند، بلکه تنها دو یا چند متغیر را اندازه‌گیری نموده، سپس مشخص می‌سازد که آیا بین آنها رابطه همبستگی وجود دارد یا خیر، در راستای همین ویژگی عدم دستکاری و تغییر متغیرها، در مطالعات همبستگی، آزمودنی‌ها نیز به صورت تصادفی به گروه‌های مختلفی که بر اساس متغیر وابسته تشکیل می‌شوند، واگذار نمی‌گردند؛ برای مثال ممکن است پژوهشگر آزمودنی‌هایش را بر اساس نمره اضطراب آنها به سه گروه اضطراب بالا، اضطراب متوسط و اضطراب پایین طبقه‌بندی نماید.

همچنین از روش رگرسیون در تحلیل بهره برده شد. در تحلیل رگرسیون هدف پیش‌بینی یک یا چند متغیر ملاک براساس یک یا چند متغیر پیش‌بین است. اگر هدف بررسی یک متغیر ملاک از یک متغیر پیش‌بین باشد از رگرسیون ساده استفاده می‌شود. اگر بررسی یک متغیر ملاک براساس چند متغیر پیش‌بین باشد از رگرسیون چندگانه (Multiple) استفاده می‌شود. اگر همزمان چند متغیر ملاک براساس چند متغیر پیش‌بین بررسی شود از رگرسیون چند متغیری (Multivariate) استفاده می‌شود. این پژوهش با ابعاد یا متغیرهای مختلفی سروکار دارد: فقر، شاخص اجتماعی و شاخص اقتصادی به عنوان متغیرهای اصلی این مطالعه محسوب می‌گردند. هر یک از متغیرها از طریق پرسشنامه‌ای که مربوط به هر کدام از متغیرها خواهد بود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴- یافته‌ها

۵-۱- بحث و نتیجه گیری

- پرسش اول پژوهشی

در پژوهش حاضر به منظور اجرای محرومیت‌زدایی بر اساس شاخص‌های پایداری اقتصادی و اجتماعی اطلاعات برای دستیابی به نتایج دقیق به دست آمد و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌های محرومیت‌زدایی با هر کدام از ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای ارتباط مناسبی است.

بر اساس سؤال اول پژوهشی پیش فرض‌های مربوط به آزمون همبستگی پیرسون مورد تأیید قرار گرفت و یافته‌های آزمون بیانگر این شد که محرومیت‌زدایی با شاخص‌های افزایش رشد اقتصادی که شامل شغل، ملک و توسعه بود به ترتیب با مقادیر ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۶۱ ارتباط را نشان دادند.

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	محرومیت‌زدایی	شغل	ملک	توسعه
پس انداز	۱	۰/۷۳	۰/۷۱	۰/۶۱
اعتبارات		۱	۰/۶۷	۰/۵۲
درآمد و اشتغال			۱	۰/۴۸
بیمه				۱

منبع: نگارندگان

آنچه اکنون به عنوان مسئله اساسی در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی شهری کشور ایران مطرح است، سرعت شتابان رشد شهرنشینی و هجوم مهاجران روستایی شهرهای کوچک و میانی به شهرهای بزرگ و تمرکز جمعیت و ایجاد ناهماهنگی بیشتر در توزیع جمعیت و فعالیت و تمرکز آن در شهرهای بزرگ و برهم خوردن تعادل نظام و شبکه شهری و پیدایش الگوی نخست شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در یک شبکه شهری بزرگ اتفاق می‌افتد.

شناسایی شاخص‌های محرومیت برای توصیف نابرابری‌های جوامع بسیار مهم هستند در محرومیت‌زدایی اقدامات اثربخشی دستیابی به اهداف، به چگونگی نشان دادن ساختار محرومیت، اندازه‌گیری محرومیت و اعتبار آن برای گروه‌های خاص اجتماعی، به منطقه جغرافیایی بستگی دارد. لازم به ذکر است که شاخص‌ها و پارامترهای محرومیت از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. طبق نظر نوبل و همکاران (۲۰۱۰) محرومیت شامل ابعاد، اقتصادی، اجتماعی، محیطی - کالبدی و محرومیت چند وجهی است. از نظر فیت (۲۰۱۷) جنبه‌های مهم محرومیت روستایی و شهری مربوط محرومیت چند وجهی است. از نظر فیت به بیکاری، عدم دسترسی به خدمات از جمله فروشگاه‌ها، امکانات بهداشتی و درمانی، مراقبت از کودکان و دسترسی به خدمات دیجیتال می‌باشد. از اینرو، برای پیشبرد توسعه پایدار، دستیابی به

توسعه شهری و روستایی و ارتقای معیشت پایدار، کاهش محرومیت به عنوان یک اصل برای سیاستگذاران باید در اولویت قرار گیرد.

بر اساس دیدگاه محرومیت چند وجهی، محرومیت از ترکیب دامنه‌های جداگانه محرومیت ساخته شده است. دامنه‌های محرومیت شامل درآمد، اشتغال، آموزش و پرورش، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به خدمات که منعکس کننده جنبه‌های مختلف محرومیت است، می‌باشد. هر دامنه از تعدادی نماگر تشکیل شده است که مفهوم محرومیت را به طور جامع و امکان پذیر پوشش می‌دهد (پور طاهری و محمدی، ۱۳۹۳). آنچه مسلم است، آن است که نیاز توأم به هر دو دسته از شاخص‌های ذهنی و عینی برای ارزیابی و سنجش محرومیت امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. بدین معنا که علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌ها به صورت مشخص و عینی، می‌باید ذهنیت و نوع نگاه افراد به این شاخص‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌های ذهنی بیشتر بر نگرش‌ها و شاخص‌های عینی بیشتر بر واقعیت‌ها تأکید دارد. ثابت شده است که شرایط عینی (واقعی) مستقیماً روی ادراکات ذهنی تأثیر می‌گذارند.

توسعه پایدار شهرهای کوچک، روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به عنوان راهبردی در مقابل رشد شهرهای بزرگ عمل کند. ولی به نظر می‌رسد چنین رشد و توسعه‌ای در صورتی شکل خواهد گرفت که خود این شهرها از درون دچار مشکلات شهرهای بزرگ در مقیاس خرد نباشند و فضای مناسب را برای نسل کنونی و آینده فراهم سازند. اما در سطح ملی آنچه بیش از هر مسئله دیگر در خصوص شهرهای کوچک باید مدنظر قرار گیرد، توجه به عدالت و برابری براساس شاخص‌ها و ابعاد توسعه پایدار شهری است. بنابراین با توجه به افزایش شهرهای کوچک و گسترش آنها، منطقی است که یک برنامه‌ریزی توسعه همه جانبه و متناسب با ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک پیش‌بینی شود. شهرهای کوچک امروزی پایه‌گذار شهرهای بزرگ آینده خواهند بود که با پذیرش کارکردهای جدید و توسعه کارکردهای فعلی و گسترش فیزیکی در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، به شهرهای بزرگتر با مشکلات و محدودیت‌های گوناگون تبدیل می‌شوند. از این رو برنامه‌ریزی توسعه پایدار برای شهرهای کوچک به عنوان رویکردی جدید در حیطه مطالعات شهری وارد شده است. به دنبال رواج پارادایم پایداری شهرهای کوچک، این الگو در زمینه‌های مختلف مسائل شهری کاربست پیدا کرد و در قالب ترکیباتی چون پایداری زیست محیطی، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری کالبدی شکل یافت. در این راستا مفهوم پایداری اجتماعی - اقتصادی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، به دنبال تعادل و

پویایی این سکونتگاه‌های کوچک در خصوص ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست، به طوری که متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی می‌شود.

- پرسش دوم پژوهشی

در سؤال دوم مطالعه حاضر عوامل اصلی موفقیت طرح محرومیت‌زدایی در بعد اجتماعی شهرستان قلعه‌گنج بررسی گردید که یافته‌ها پس از بررسی پیش فرض‌های آزمون به دست آمد. نتایج نشان داد که محرومیت‌زدایی با ابعاد پایداری اجتماعی که شامل شبکه‌ها و روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی و انسجام اجتماعی می‌باشد به ترتیب با مقادیر ۰/۶۷، ۰/۷۹ و ۰/۶۱ ارتباط را نشان داد.

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	محرومیت‌زدایی	شبکه‌ها و روابط اجتماعی	مشارکت اجتماعی	همبستگی و انسجام اجتماعی
محرومیت‌زدایی	۱	۰/۶۷	۰/۷۹	۰/۶۱
شبکه‌ها و روابط اجتماعی		۱	۰/۴۸	۰/۴۱
مشارکت اجتماعی			۱	۰/۳۶
همبستگی و انسجام اجتماعی				۱

منبع: نگارندگان

محرومیت اجتماعی به روابط اشاره دارد و بیانگر شرایط افراد یا گروه از طریق بهره‌مندی آنها از روابط، شغل، حقوق و قوانین و مسئولیت‌ها و فرصت‌ها می‌باشد. این بعد از محرومیت به انسجام و همبستگی فرد با جامعه یا درون گروهی توجه دارد. همچنین در بعد اجتماعی احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع مورد توجه قرار می‌گیرد. چالش‌ها و تنگناهایی که شهرها در این زمینه با آن مواجه‌اند، ضرورت بیشتری می‌یابد. شکاف‌ها و فواصل درون نسلی از یکسو و نابرابری‌های ناحیه‌ای و سکونتگاهی از سوی دیگر بیش از پیش سکونتگاه‌های کوچک کشور و فرایند توسعه پایدار را در آنها متأثر ساخته و از این رهگذر ضرورت و اولویت توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی را در برنامه‌ریزی توسعه پایدار گوشزد می‌کند (توکلی، ۱۳۹۳).

ابزار دیگر برای مبارزه با فقر، بهبود دسترسی به خدمات اجتماعی است، به خصوص بهداشت و آموزش برای فقرا نه تنها سطوح اولیه بهداشت و آموزش حق فقر است، بلکه این امور در شتاب بخشی به کاهش فقر مهم هستند، به طوری که به فقرا اجازه می‌دهند از فرصت‌های

ایجاد شده توسط رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. اما در بسیاری از کشورها، فقرا دسترسی فیزیکی (جغرافیایی) و اقتصادی کمتری به خدمات آموزشی و بهداشتی دارند. این امر سبب سلامت و سواد کمتری در فقرا می‌شود. بنابراین یک دوره فقر شکل می‌گیرد و فقر باعث بیماری، سوء‌تغذیه و بیسوادی می‌شود که اینها به نوبه خود باعث تداوم فقر می‌شوند. دوری فیزیکی فقرا از تسهیلات عمومی، نظیر بیمارستان، مراکز سلامتی و مدرسه، اغلب می‌تواند با تأمین مالی این مراکز از طرف جامعه تشدید شود.

بر این اساس پژوهش حاضر ضمن تأکید بر روابط متقابل همه ابعاد پایداری، بر ضرورت ارتقای شاخص‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک تأکید داشته و به تحلیل و تبیین این دو بعد در شهرستان قلعه‌گنج می‌پردازد. با توجه به مسائل پیش رو، در راستای خروج از فشارها و بحران‌های ناشی از ناپایداری شهرهای کشور از منظر اجتماعی و اقتصادی، ابتدا باید ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و موانع رسیدن به پایداری شهرهای کوچک کشور مورد شناسایی، تحلیل و تبیین قرار گیرند تا در مراحل بعد، بتوان با برنامه‌ریزی دقیق، از این توان‌ها، برای پایداری شهرهای کوچک شمال کشور بهره جست.

محرومیت، به عنوان یک نسبت هنجارهای اجتماعی که مطلق نیست و معمولاً از زمان و مکان متفاوت است، بررسی می‌شود. برخی از جامعه‌شناسان مانند، کارل پولانی، استدلال کرده‌اند که تفاوت نسبی در ثروت اقتصادی از محرومیت مطلق مهمتر است، و در تعیین کیفیت زندگی انسانی محرومیت نسبی بیشتر از محرومیت مطلق اهمیت دارد.

در راستای نتایج این پژوهش ستارزاده بردسیری (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر» به ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهر کوچک بردسیر پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد پایداری محله‌ها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی از نظر مردم مطلوب نیست. به طوری که مقدار محاسبه شده پایداری ۲/۴۹ درصد کمتر از حد میناست.

- پرسش سوم پژوهشی

در مطالعه حاضر پس از بررسی ارتباط محرومیت‌زدایی با ظرفیت‌های شهرستان، محقق اثرگذاری هر کدام را با آزمون رگرسیون مورد بررسی قرار داد نتایج در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون رگرسیون برای ضرایب مورد اشاره

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۸۲	۰/۶۷	۰/۶۷	۴/۶

منبع: نگارندگان

در راستای این مطالعه گنزalez گارسیا و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی پایداری شهرهای اسپانیا با توجه به شاخص‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی» به ارزیابی شاخص‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ۲۶ شهر اسپانیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به اهداف شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به نرخ بیکاری و تعداد جرائم در شهرهای مورد مطالعه، باید در اولویت قرار گیرند. در عین حال، میزان مصرف برق، ضایعات جامد شهری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل، از منظر زیست محیطی در شهرهای مورد مطالعه در سطح مطلوب است. این نتایج منافع بالقوه برای سیاستمداران، دولت‌ها و ساکنان را برای شناسایی جریان‌های متابولیک و شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی به منظور دستیابی به پایداری، بهینه می‌کند.

پایداری شهری، زمانی شکل خواهند گرفت که، افراد جایی را که در آن زندگی می‌کنند، از آن خودشان بدانند و شیوه‌های زندگی‌شان را به طوری مناسب تغییر دهند. از این رو بررسی و شناخت وضعیت مناطق شهری و قابلیت و تنگناهای توسعه آنها به لحاظ پایداری و توسعه پایدار در شهرها، از مسائلی است که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی شهری مطرح شده است. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف مناطق شهری و توسعه پایدار شهر، نوعی ضرورت برای ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شود، به طوری که استفاده از شاخص‌های توسعه پایدار می‌تواند معیار مناسبی هم برای تعیین جایگاه مناطق و هم عاملی در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌ها برای رسیدن به پایدار شهری باشد. در همین راستا، برنامه‌ریزی شهری به طور و عام برنامه‌ریزی توسعه پایدار به طور خاص در پی نظم بخشیدن به فضاهای شهری به لحاظ دسترسی به امکانات و توزیع مناسب آنها در مناطق و بخشهای مختلف شهری است به عبارت دیگر در پی فراهم ساختن بهترین شرایط زیست برای ساکنان شهر می‌باشد.

۵-۲- نتیجه کلی

در مجموع نتایج حاصل از بررسی میدانی و پرسشنامه‌ای از برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء پایداری اقتصادی و اجتماعی در شهرستان قلعه‌گنج پایلوت اقتصاد مقاومتی کشور نشان می‌دهد شهرستان از وضعیت ناپایدار به نسبتاً پایدار رشد داشته که علی‌رغم اجرای مناسب

برنامه‌ها به دلیل عمق مشکلات و کاستی‌های چندین ساله نیاز به حمایت‌های ویژه را دارد. به طور ملموس عواملی مانند ناپایداری شاخص‌های کیفیت زندگی هم از بعد ذهنی و هم عینی، سلامت و امنیت اجتماعی، عدم رضایت شغلی، سطح پایین عملکردی شهر در شاخص خدماتی، کارایی و بهره‌وری پایین، بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی بیشترین سهم را در ناپایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها داشته‌اند. بنابراین در امر سیاست‌گذاری برای پایدارسازی ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی در این شهرها می‌شود. متناسب با تحلیل موجود می‌توان گفت، تبیین مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی - اقتصادی در سطح شهرهای کوچک نظیر قلعه‌گنج، با محوری شمردن حفظ و ارتقای کیفیت زندگی انسانها و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. بر این مبنا بسترسازی برای ظهور خلاقیت‌ها و بسیج آحاد شهروندان در جهت تأمین اهداف اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار به منظور اطمینان از زندگی بهتر برای همه آنها و به ویژه شهروندان فقیر مورد توجه است.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابراهیمی، م. (۱۳۹۵). فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت. تأمین اجتماعی. سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۳۷-۵۹.
- ۲- پورطاهری، م.، محمدی، ن. (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۳ (۳)، صص ۱۷-۴۰.
- ۳- توکلی، ج. (۱۳۹۳). سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های خاوه شمالی و جنوبی، استان لرستان، «نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، ش ۳».
- ۴- رفیعیان، مجتبی، زاهد، نفیسه. تحلیل فضایی تله‌های فقر و محرومیت شهری در شهر قم. آمایش محیط. ۱۴(۵۴): 21-46; 1400 ,
- ۵- جمعه پور، م. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه ای. تهران: سمت.
- ۶- هال، آ.، و میجلی، ج. (۱۳۸۸) سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۷- جعفریان، م.، عبدالحسینیپور، ف. (۱۳۸۵). پایداری شهری با نگاهی به ویژگی‌های شهرهای ایران»، همایش شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران شهرداری همدان.
- ۸- روستایی، ش.، کریم زاده، ح.، زادولی، ف. (۱۳۹۵). بررسی تحلیل فضایی گسترش فقر شهری در شهر تبریز طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵.
- ۹- محمدزاده، پ.، فلاحی، ف.، حکمتی فرید، ص. (۱۳۹۰). بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۲، صص ۶۴-۴۱.
- ۱۰- راغفر، ح.، صانعی، ل. (۱۳۹۴). اندازه‌گیری آسیب پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران: یک روش شناسایی خانوارهای محروم، فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۳۸۹-۴۲۷.
- ۱۱- راجرز، ر. (۱۳۸۴). معماران بزرگ و طراحی پایدار. مترجم: حمید حسین مردی. شماره ۴۲، صص ۱۱۴-۱۱۰.
- ۱۲- ستارزاده بردسیری، ز. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی.

- ۱۳- صفایی‌پور، م.، مرادی، س.، امیری، م. (۱۳۹۵). ارزیابی و اولویت‌بندی شاخصهای توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه، ANP مورد شناسی: شهر زنجان، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقی‌های، ش ۱۹.
- ۱۴- طالب، م.، پیری، ص.، محمدی، س. (۱۳۸۹). فراتحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران، مجله توسعه روستایی، دوره ۲، شماره ۲، صص عزیززی، م. (۱۳۸۸). تراکم در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- ۱۵- قدیری، م.، ضیانوشین، م. (۱۳۸۹). پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگی‌های مکانی-فضایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، ش ۲.
- ۱۶- کلانتری، خ.، عبدالله‌زاده، غ. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین. تهران: فرهنگ صبا.
- ۱۷- حاجی‌پور، خ. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، صص ۳۷-۴۶.
- ۱۸- کاظمی، م. (۱۳۸۷). ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری پژوهش موردی شهر قم. رساله منتشر نشده دکتری. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی.
- ۱۹- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۹۱). بررسی نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه، مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۹: صص ۶۴-۲۱.
- ۲۰- نوریان، ف.، مظفری‌پور، ن. (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تأکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مورد پژوهی: محلات ۷گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران. مجله معماری و شهرسازی. شماره ۵۶.
- 21- Devicienti, F., & Poggi, A. (2011). Poverty and social exclusion: two sides of the same coin or dynamically interrelated processes,. *Applied Economics*, 43(25), 3549-3571.
- 22- Fecht. D, Jones. A, Hill. T, Lindfield. T, Thomson. R, Hansell. A.L, and Shukla. Rm (2017), Inequalities in rural communities: adapting national deprivation indices for rural settings, *Journal of Public Health*, Volume 38, Issue 1, pp 1- 7.
- 23- Gonzalez-Garcia, S., Manteiga, R., Moreira, M. T., & Feijoo, G. (2018). Assessing the sustainability of Spanish cities considering environmental and socio-economic indicators. *Journal of Cleaner Production*, 178, 599-610.

-
- 24-Haron, N. (2013). On social exclusion and income poverty in Israel: findings from the European social survey. In *Poverty and social exclusion around the Mediterranean Sea* (pp. 247-269)
- 25-Ige, K. (2014). The Absolute-Relative Deprivation Dichotomy in Estimating Variations in Reaction to Inequality: Comparing Antecedents of Collective Action among Disadvantaged Groups. *University of Zululand P/B*, 87-101.
- 26-Zelinsky, T. (2012). "Changes in Relative Material Deprivation in Regions of Slovakia and the Czech Republic". Department of Regional Science and Manageme Faculty of Economics Technical University Slovakia, *Panoeconomicus*, 3. 335-353.